

یا خبر؟

# گویندگی هنر است.

● مهران دوستی

این مقاله برگرفته از سخنرانی آقای مهران دوستی می باشد که در تاریخ ۸۰/۶/۱۹ در مرکز همایشهای بین-المللی صدا و سیما و به همت دفتر طرح و تامین برنامه شبکه جوان برگزار شده است.

ساده بودن محیط زیستی آدمی، نوع ارتباط و اطلاع رسانی نیز ساده بوده است. در نتیجه، انسان هایی که گوینده و یا سخنور این محیط بوده اند، گویندگی تک ساختی یا تک بعدی را تجربه می کرده اند، بشر به سیر آفاق و انفس دست نمی زده و تجربه او، تنها در محدوده جغرافیای زندگی کوچک و مختصر قوم خود بوده است. اما با همه این جبر محیطی، افرادی بوده اند که با زبان و نحوه بیان کلمات آن زبان، آن قوم یا قبیله را برای حفظ بقا و تداوم زندگی تحت تأثیر قرار داده اند. این تاریخ ادامه پیدا کرده است و از گویندگی تک ساختی و در یک جغرافیای محدود به گویندگی چند بعدی و چند ساختی رسیده ایم. دلیل آن هم رشد جوامع بشری و گذر آدمی از دوره های مختلف تکاملی و رسیدن به هزاره سوم میلادی و عصر فراصنعتی است. و در این عصر، انسان آمادگی زندگی در دولت ملت های جهان را دارد و می خواهد عصر دیجیتالی را تجربه کند. در این دوره به کسی گوینده می گویند که چند ساختی و چند بعدی باشد.

یونانی، در جوامع ابتدایی بشر، اقوام و قبایل برای ایجاد ارتباط، سخنورترین و عالم ترین و خوش صداترین فرد یک قوم و یا یک قبیله را جهت رساندن پیام مردم خود، انتخاب و آن را به عنوان نماینده و سفیر به دورترین نقاط گیتی روانه می کردند؛ مثلاً، نمایندگان امپراطوری روم از بین خوش صداترین و ادیب ترین و فرزانه ترین افراد، انتخاب و راهی کشورهای دیگر می شدند. بنابراین، کسانی که در هزاره سوم میلادی در رسانه های کشور خود فعالیت می کنند و می خواهند پیام رسانه ای خود را تأثیرگذار ببینند، باید خوش صدا و ادیب و باسواد باشند. شناخت زبان، صدای خوش و باسواد بودن از عناصر پایه ای ایجاد ارتباط و تأثیرگذاری مثبت بر مخاطبان است.

## به چه کسی گوینده می گویند؟

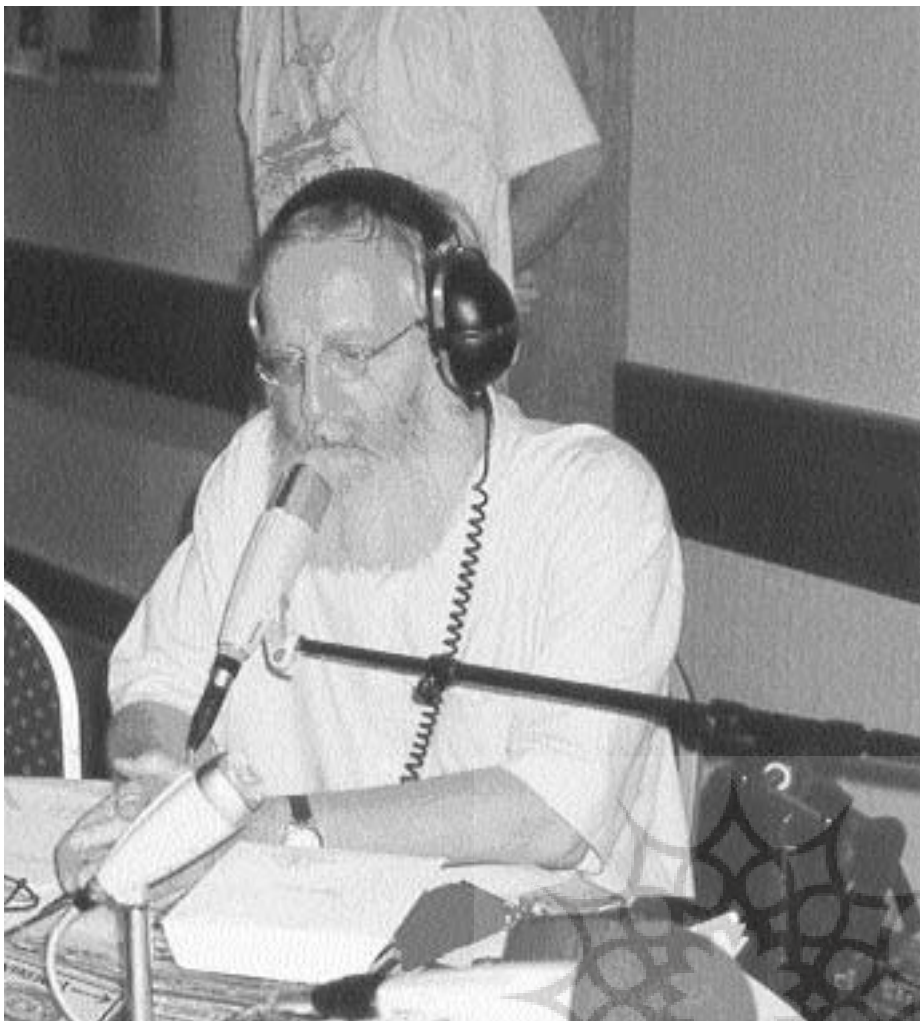
هنر گویندگی، عمری به درازای تاریخ بشریت دارد. ملل و اقوام گذشته، جهت ایجاد ارتباط از گویندگان و سخنوران استفاده های زیادی برده اند. به دلیل

تاریخ بشریت از بدو پیدایش، حوزه تمدنی خود را با زبان آمیخته دیده است. بشر با مفهوم کاربردی زبان به پدیده های قومی - زیستی خود معنا داده و در نتیجه همین معنا، یافتن ارتباط ارگانیک اقوام مختلف بشری تکامل یافته است. پس پدیده زبان، اولین عامل ارتباطی تک تک افراد بشر بوده و خواهد بود.

بعد از تکامل زبان در بین اقوام گوناگون در سده های بسیار قدیمی تاریخ زیست بشر به دلیل تکامل جوامع بشری و ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمی تر برای رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، زبان پالوده و تکامل یافته، در هر عصری زیر سیطره سخنوری و ایراد خطابه توسط نخبگان هر قوم، شکل عینی خود را به نمایش گذاشت.

زبان در بدو پیدایش بشر به عنوان یک نیاز اولیه برای زیستن و آن گاه سخنوری برای ایجاد ارتباط نزدیک تر در همه تاریخ بشر، شکل عالی خود را به اثبات رسانده است.

طبق دیدگاه هرودوت، تاریخ دان



**اگر می‌خواهید یک گوینده را تشخیص دهید از او بخواهید چند کلمه و یا جمله را بیان کند، آن گاه چشمان خود را بسته و بدون این که به چهره او دقیق شوید، تن صدای کلمات و جملات را به خوبی شنیده و وزن کلمات را احساس می‌کنید.**

شوید تن صدای کلمات و یا جملات را به خوبی شنیده و وزن کلمات را احساس می‌کنید. یک صدای خوب دارای تن صدای خوب است.

#### **حجم صدا**

هر صدایی در محدوده فیزیکی دهان و حنجره، حجمی دارد. حجم صدا یعنی قدرت صدا و قدرت صدای یعنی قوی بودن تارهای صوتی حنجره به علاوه صورت بهینه دهان و حلق؛ پس کسی می‌تواند حجم صدای مطلوب برای گویندگی داشته باشد که ضمن تربیت تارهای صوتی حنجره، کلمات و جملات را با انرژی و قدرت و حجم کامل بیان کند. کسی که تارهای صوتی اش ضعیف و حنجره و حلقش نامتناسب باشد، حجم صدای خوبی نخواهد داشت.

برای تشخیص این که یک گوینده چه حجم صدایی دارد، چشمانتان را ببندید و از او بخواهید چند جمله و چند کلمه را با بارهای انرژی مختلف (سبک و سنگین) بیان کند. آن گاه به راحتی خواهید فهمید که

عدم جدیت و روزمرگی در کار رسانه‌ای، با وجود داشتن صدای خوب به مرحله پختگی صدا نرسیده و مخاطب را تحت تأثیر پیام خود قرار نمی‌دهند. اولین شرط گویندگی در یک رسانه دیداری و شنیداری، داشتن صدای خوب است، اما شرط کافی نیست. رسیدن به پختگی صدا مراحل دارد که آموزش مداوم و کسب تجربه عملی در اجرای برنامه‌های مختلف لازمه آن است.

#### **مشخصه‌های یک صدای خوب**

##### **تن صدا**

هر صدایی در حنجره هر انسانی، وزنی دارد؛ یعنی هر آدمی با خصوصیات فیزیکی تارهای صوتی حنجره‌اش می‌تواند با وزن خاصی، کلمات را بیان کند. کسی که دارای تن صدای گویندگی است، کلمات را با سنگینی و وزن مخصوص هر کلمه ادا می‌کند و اگر می‌خواهید یک گوینده را تشخیص دهید از او بخواهید چند کلمه و یا چند جمله را بیان کند، آن گاه چشمان خود را بسته و بدون این که به چهره او دقیق

برای تربیت گویندگان خوش صدا، مجرب، سخنور و ادیب جهت تأثیرگذاری مثبت در رسانه ملی یک کشور، نحوه انتخاب و گزینش این افراد بسیار مهم و اساسی است. در ابتدا همه صداهای خوب جزو صداهای خام محسوب می‌شوند. پس، اولین انتخاب ما و شرط اساسی تربیت یک گوینده صدای خوب است.

#### **صدای خوب چه صدایی است؟**

سه عامل، یک صدا را جزو صداهای خوب می‌کند: تن صدا، حجم صدا و آهنگ صدا.

با همه این اوصاف، اگر فردی صاحب همه این مشخصه‌ها باشد، به دلیل خامی و بی‌تجربگی هنوز جزو صداهای خام محسوب می‌گردد. این صدا در صورتی به یک صدای پخته و مؤثر تبدیل می‌گردد که تجربه کافی در استودیو کسب کند، تحت آموزش مداوم باشد و علاقه شخصی به گویندگی داشته باشد

بسیاری از گویندگان خوش صدا به دلیل وارد نشدن در مقوله‌های مذکور و

حجم صدای این فرد خوب است یا نه.

### آهنگ صدا

صدای هر انسانی، دارای آهنگی است و هر آهنگی، طنینی در خود دارد. از لحاظ پزشکی، معمولا صدای زن‌ها آهنگی زیر(تور) و صدای آقایان آهنگی بم (باس) دارد. آهنگ صدا در ارتباط مستقیم با حجم صدا و تن صداست؛ یعنی کسی که دارای حجم و تن صدای مطلوبی است، آهنگ صدای زیبایی دارد.

آهنگ صدا، در یک فرد گوینده، هنر گویندگی او را صد چندان می‌کند؛ برای مثال، آهنگ صدای گوینده خوب هر نوع متنی را با توجه به مضمون و محتوای متن، انتخاب و به نحو مطلوب اجرا می‌کند. در بسیاری از مواقع، گویندگان به دلیل آهنگ ویژه صدای خود تنها می‌توانند یک نوع برنامه را اجرا کنند؛ از قبیل برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و به دلیل نداشتن آهنگ مطلوب صدایی، از اجرای همه نوع متن عاجزند. این پدیده در بسیاری از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی کشور ما دیده می‌شود. آهنگ صدا در ریتم و موزونی یک برنامه بسیار مؤثر است. کند یا تند خواندن، بالا یا پایین خواندن، زمزمه و یا نجوا کردن و یا با حجم بالایی متن را خواندن از موارد مهم نداشتن آهنگ صدای مطلوب است. صدایی که آهنگ ندارد، صدای جذابی نیست و گوینده بدون آهنگ صدا، متن‌های گوناگون را با یک لحن و با یک ملودی اجرا می‌کند. برای داشتن آهنگ صدای مطلوب در صدای یک گوینده دو مشخصه بسیار مهم وجود دارد: گوینده، متن برنامه را به خوبی بشناسد، گوینده برای آن متن، لحن مناسبی انتخاب کند.

شناخت متن به کمک ممارست، مطالعه و تجربه گوینده و یاری سردبیر و نویسنده برنامه به دست می‌آید، اما انتخاب لحن یا انتخاب ریتم و آهنگ برنامه براساس تجربه شنیداری گوینده در طول مدت زیادی خود به خود جزو خصیصه

اصلی صدای گوینده می‌گردد. به همین دلیل گویندگان جوان در ابتدای کار خود، صداهایشان بسیار نزدیک به هم و شبیه یکدیگر است و برای آن که لحن مناسبی برای برنامه‌های مختلف انتخاب کنند، نیاز به تمرین و تجربه‌های شنیداری متعدد در رادیو دارند. این تجارب نباید به هیچ وجه در برنامه‌های زنده رادیویی به دست آید، بلکه باید و حتما پنج سال اولیه کار یک گوینده

گوینده حرفه‌ای برای یک رسانه ملی که در چند سال آینده صد میلیون ایرانی را تحت پوشش قرار خواهد داد، کافی نیست. حجم اطلاعات، دنیای دیجیتال و موج سیل آسای عصر فراصنعتی، گوینده ایرانی را در فضایی متناقض قرار می‌دهد که دیگر تشکیل این نوع کلاس‌ها برای تربیت گوینده، شبیه کلاس‌های دوران قرون وسطایی در عصر اسکلاستیک اروپاست.

## تشکیل کلاس‌های موسیقی جهت آشنایی اولیه با سازهای بومی و سازهای بین‌المللی، به دانش گوینده اضافه می‌کند و او را با دنیای موسیقی که دنیای بسیار بزرگ و عظیمی است، آشنا می‌نماید.

در حد یک گوینده حرفه‌ای و پخته برای رسانه‌ای ملی در استودیوهای تولید و ضبط برنامه‌های ۱۰ الی ۲۰ دقیقه‌ای در زمینه‌های گوناگون به دست آید، زیرا گویندگان جوان در برنامه‌های زنده به دلیل نداشتن تجربه کافی هرگز نمی‌توانند لحن صدا، آهنگ صدا و حجم صدای خود را کنترل کنند.

تا اینجا به این نکته اساسی پی بردیم که یک صدای خوب باید تن صدا، حجم صدا و آهنگ صدا داشته باشد. این خصوصیات باید با سه پارامتر: کسب تجربه کافی در ساخت‌های مختلف گویندگی، آموزش مداوم و تجربه‌های شخصی پخته و آبدیده گردد. برای انتخاب هر گوینده‌ای، چه زن و چه مرد، این شش نکته از اصول اساسی و مهم کار است.

یکی از اشکالات مهمی که در تربیت گویندگان کشور ما وجود دارد، توجه نکردن به انتخاب‌ها، تربیت و صرف زمان لازم برای انتخاب گویندگان است. تشکیل کلاس‌های پراکنده؛ نظیر کلاس‌های شعرخوانی و یا آشنایی با ادبیات جهان و ایران و یا کلاس‌های محدود چندساعته آشنایی با تهیه برنامه‌ها، ممکن است برای بعضی‌ها مفید باشد، اما برای تربیت یک

البته این نوع کلاس‌ها ممکن است برای یک دوره کوتاه مدت آشنایی اولیه با این هنر کافی باشد، اما تجربه بیست ساله گذشته به ما نشان داده است که تشکیل این کلاس‌ها هرگز گوینده‌ای پخته و صاحب سبک را تحویل رسانه نمی‌دهد. دلیل عمده آن نیز در انتخاب اولیه این افراد برای گویندگی است؛ یعنی انتخاب‌ها از ابتدا اشتباه بوده و انتخاب اشتباه یعنی این که ما برای ده سال آینده هیچ گوینده شاخص و تأثیرگذار نخواهیم داشت. تاکنون انتخاب‌هایمان اشتباه بوده، اما از این اشتباه می‌توان پلی ساخت برای تجربه‌های گرانقدر و ارزنده. ابتدا برای هر انتخاب صرف زمان لازم، هزینه مادی کافی و زمینه‌سازی برای تربیت یک گوینده یا چند گوینده لازم است. انتخاب‌ها هرگز نمی‌تواند سلیقه‌ای باشد، بلکه باید اصولی داشته باشد که در حرفه هنر گویندگی ملحوظ است. دوره تشکیل این کلاس‌ها بعد از هر انتخاب صحیح باید حداقل ۲ سال و حداکثر ۵ سال باشد و حالت مرید و مرادی بین استاد گوینده و خود گوینده برقرار گردد تا ریزه‌کاریهای بسیار شگفت‌انگیز گویندگی سینه به سینه، منتقل

شود و بعد از طی این سال‌ها، گویندگان تربیت شده اجازه یابند تا به‌طور محدود برنامه‌های رادیویی را اجرا کنند.

### تمرینات

برای تربیت یک گوینده خوب و خوش‌صدا، پس از انتخاب اولیه، تشکیل کلاس‌های تمرینات هر روزه کلامی و زبانی از اهم واجبات است. در کنار این تمرینات نحوه نفس‌گیری و حبس ریتم تنفس، بسیار مهم است. توضیح درباره این تمرینات فقط برای کسانی کاربرد دارد که گوینده‌اند؛ یعنی آن مشخصه‌های شش‌گانه را دارند و به‌عنوان دانشجویان رشته هنر گویندگی انتخاب شده‌اند.

### تمرین اول

هر روز، حروف الفبای فارسی را با صدای بلند چند بار تکرار کنید. نحوه بیان هر حرف با حجم و آهنگ مناسب بیان

## شناخت زبان، صدای خوش و باسواد بودن از عناصر پایه‌ای ایجاد ارتباط و تأثیرگذاری مثبت بر مخاطبان است.

گردد.

در پایان هر هفته، ادای کامل حروف را روی نوار ضبط کنید و گوش دهید.

### تمرین دوم

هر روز، با حبس نفس در دیافراگم شکم و آزادکردن دم و بازدم تنفس به شکلی که صدای آن حس نشود تمرین نفس‌گیری کنید.

این اصل مهم باید در تمرین حبس نفس مورد توجه قرار گیرد که نفس دم و بازدم از طریق دهان به آهستگی بیرون رود و تا حد امکان تلاش گردد با بینی تنفس نشود. این تمرین در طول عمر زندگی یک گوینده هر روزه باید تکرار گردد. حبس نفس در زیرآب، عدم تنفس در بعضی از

ساعات روز آن‌هم به‌طور چندثانیه‌ای حجم دیافراگم شکم و ریه‌ها را افزایش داده، گوینده با تنفس عالی کار خود را انجام می‌دهد.

ذهن و زبان و گوش گوینده در یک فضای عملی، تجربه‌هایی را کسب می‌کند که در هیچ کلاس گویندگی و باوجود بهترین استادان فن به دست نمی‌آید. پس از این

## تأثیر سینما و تئاتر بیشتر با چشم است، اما تأثیر هنر گویندگی تنها از راه گوش است. گوش عاشق می‌شود، زیرا پیام گوینده به صفا و سادگی یک رود زلال در دلش جاری می‌گردد و او را محو می‌کند.



تمرین سوم

تجربه‌های شنیداری؛ در این تمرین، گوینده با گوش خود و رقیق شنیدن یا به بیان دیگر با گوش کردن که بسیار با شنیدن معمولی متفاوت است، دست به تجربه‌های شنیداری می‌زند. گوینده، علاوه بر شنیدن برنامه‌های گوناگون در حال پخش از رادیو و تلویزیون، می‌تواند با شنیدن صداهای گوناگون مردم کوچه و بازار به لحن‌های مختلف هموطنان خود دست یابد و با آنها آشنا شود. این تجربه شنیداری هر روزه، گوش گوینده و تجربه خوب شنیدن، خوب فهمیدن و خوب دیدن را بالا می‌برد. در این تمرین روزانه،

تجربیات شنیداری هر روزه، گوینده باید در پایان روز از یافته‌های خود در ذهن جمع‌بندی شنیداری کند و آن را مکتوب و همیشه همراه خود داشته باشد. در طول مدت کمی، او صاحب فرهنگ شنیداری خواهد بود که در امر اجرای برنامه‌های مختلف بسیار به او کمک خواهد کرد.

### تمرین چهارم

مطالعه یک گوینده باید در طول روز حتی از کاغذ پاره‌های کوچه و خیابان هم نگذرد. مطالعه روزانه روزنامه‌های مختلف، به خصوص مطالب میانی و یایی روزنامه‌ها، بسیار مهم و اساسی است متأسفانه درصد مطالعه سرانه در بین گویندگان ما بسیار پایین است، در حالی که مسئولان سازمان صدا و سیما باید روزانه از گویندگان و گزارشگران، در مورد مطالعه روزنامه‌ها، مجلات و کتب بازخواست کند.

داشتن مطبوعات در فایل مخصوص هر گوینده و مطالعه هر روز او در یک فضای آرام، صدا و سیما را صاحب گویندگانی خواهد کرد که در بحث‌های رسانه‌ای، هرگز مغلوب و مقهور مخاطبان نخواهند شد.

### تمرین پنجم

شنیدن موسیقی؛ بتهون می‌گوید: «برای تربیت یک گوش خوب، راهی بهتر از گوش دادن به موسیقی خوب وجود ندارد. در تبیین این موضوع، مشخص گردیده که

گوش آدمی با شنیدن موسیقی مطلوب، پیدا می‌کند و ذهن انسان از طریق همین تربیت، باز و پویا خواهد شد. شنیدن موسیقی برای هر گوینده از اهم واجبات است. آشنایی با موسیقی ملل و حالت‌های گوناگون موسیقی می‌تواند در پیشبرد کار گوینده بسیار مؤثر باشد.

## گوینده باید در هر شرایطی شخصیت، تیپ و منش رادیویی خود را با فضای برنامه تطبیق دهد، چنین گوینده‌ای به دلیل حجم صدای خوب، تن زیبا و آهنگ دلنشین می‌تواند شخصیت جذاب رادیویی را نشان دهد.

آشنایی بانتهای موسیقی و فراز و فرودهای یک قطعه در تنظیم ریتم و آهنگ صدای یک گوینده حرفه‌ای بسیار مؤثر است.

تشکیل کلاس‌های موسیقی جهت آشنایی اولیه با سازهای بومی و سازهای بین‌المللی، به دانش گوینده اضافه می‌کند و او را با دنیای موسیقی که دنیای بسیار بزرگ و عظیمی است، آشنا می‌نماید.

وجود اتاق‌هایی در اداره در یک فضای آرام و پخش موسیقی شناسنامه‌دار در بعضی از ساعات روز و قبل از پخش برنامه تولیدی یا زنده، روح و روان گوینده را آرامش خاصی می‌بخشد.

آشنایی با موسیقی دانان روز جهان و موسیقی دانان بومی و آهنگ‌های محلی باعث می‌گردد یک گوینده، ضمن آشناسدن با موسیقی دانان و موسیقی جهان، فرهنگ موسیقایی کشور خود را خوب بشناسد و از این فرهنگ در برنامه‌های

مختلف استفاده کند.

### تمرین ششم

در عصر اطلاعات قرار داریم و فرهنگ شفاهی و مکتوب در جهان توسعه یافته در حال تحول یافتن با فرهنگ دیجیتالی یا موج فراصنعتی است. در آینده‌ای نزدیک تمامی فعل و انفعالات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آدمی تحت فرایند تحول دیجیتالی، شکل نویسی به خود می‌گیرد. این به این معناست که در عصر دیجیتالی، رسانه‌های دیداری و شنیداری در شکل تولید و پخش نمای ویژه‌ای از کارکرد خود را عرضه می‌کنند و محتوا، شکل، فرم و عرضه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به شکل دیجیتال و از طریق اینترنت و یا شبکه‌های محلی - جهانی به مخاطب عرضه می‌گردد. تجربه نوین پخش برنامه‌های اینترنتی از طریق تلفن همراه، ارتباطات جهانی، قومی و فرد با فرد را به یک ارتباط رو در رو و زنده تبدیل خواهد ساخت. این تحول تا سال ۲۰۰۵ میلادی در ژاپن، اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا اتفاق خواهد افتاد و اگر ما در سیطره پر قدرت نفوذ دیجیتالی و شاهراه‌های ارتباطی و اطلاعاتی آنها، از همین لحظه جهت ایجاد یک ارتباط نوین دیجیتالی حرکت نکنیم، مطمئناً مخاطبان پنج سال دیگر ما در ایران را از دست خواهیم داد و رسانه‌ای به عنوان رسانه رادیو، تلویزیون را که در حال حاضر فعالانه مشغول به کار است، نخواهیم دید.

آشنایی با فنون عصر دیجیتال و ضبط برنامه‌ها به این شکل و پخش آن از طریق اینترنت داخلی یا اینترنت می‌تواند اولین گام‌های مؤثر صدا و سیما با این پدیده روز دنیا باشد.

عصر دیجیتالی نیاز به گویندگانی دارد که :  
- به‌طور کامل با پدیده اینترنت و ارتباط نوین رسانه‌ای و شاهراه‌های اطلاعاتی آشنا باشند.

- نحوه به‌کارگیری و استفاده از اینترنت جهت تولید، ضبط و یا پخش برنامه‌ها را بدانند.

- اطلاعات لحظه‌ای را که در شبکه اینترنت و شاهراه‌های اطلاعاتی دنیا هر لحظه به سوی او سرازیر است دریافت، پالوده و به‌نحو بهینه استفاده کند. بدین ترتیب از همین لحظه باید گام‌های اولیه و اساسی را برای تربیت گویندگان عصر اینترنت و دیجیتالی برداریم، زیرا که در آینده‌ای نزدیک با جهانی با رسانه‌هایی متفاوت روبه‌رو خواهیم شد و در آن‌صورت چنین گویندگانی برای پخش صدایشان از رسانه ملی ما موجود نخواهد بود.

لازم است هر گوینده ضمن داشتن رایانه‌ای شخصی با دنیای پیرامون خود به گفتگو بپردازد

### تمرین هفتم

دانستن چند زبان خارجی یا حداقل یک زبان و ترجیحاً زبان انگلیسی به دلیل جهانشمول بودنش برای هنرآموزان رشته گویندگی واجب است.

آموزش زبان در سنین بالا بسیار مشکل است، زیرا سلول‌های مغز آدمی در سنین بالای ۲۶ سال کارایی لازم را برای فراگیری یک زبان بیگانه ندارد. اما دانشمندان علم زبان‌شناسی ثابت کرده‌اند که آدمی با تمرین مداوم در ساعات مشخص روز و شب و گوش کردن به زبان موردنظر می‌تواند در طول مدت کمی، سلول‌های یادگیری زبان بیگانه را فعال و پویا کند و این، نیاز به تمرین و ممارست دارد. هنرآموزان رشته گویندگی باید یک زبان زنده دنیا را مانند زبان مادری مکالمه کنند و در صورت لزوم بتوانند به شکل نوشتاری از طریق اینترنت با مخاطبان خود نامه‌نگاری کنند. سازمان مربوطه باید هنرآموزان رشته گویندگی را وادار به یادگیری زبان کند. در صورتی یک هنرآموز رشته

گویندگی می‌تواند در این زمینه پیشرفت کند که ابتدایان مادری خود را بداند. کسی که هنوز معنای درست قید، صفت، فعل و فاعل را نمی‌داند چگونه می‌تواند کاربرد همه این اصول زبان مادری را در یک زبان بیگانه جستجو کند. پس گویندگان باید زبان مادری خود را با اصول و نظم و شکل مناسب یاد بگیرند و کاربرد آن را در زبان بیگانه جستجو کنند. سازمان مربوطه این هنرآموزان را باید در کلاس‌های زبان مادری با این اصول و قواعد آشنا سازد و الا تشکیل کلاس برای شعرخواندن و آشنایی با ادبیات ایران و ملل گامی اساسی و ثمرساز برای تربیت گوینده نخواهد بود.

### شخصیت گوینده

در ارتباط با شخصیت (کاراکتر) گوینده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها، چنین بیان می‌دارد که شخصیت آدمی در صدای او معین و مشخص است؛ یعنی هر صدایی صاحب شخصیتی است، اما چگونه چنین شخصیتی را گوینده به دست می‌آورد؟ آیا رفتار و کردار فردی که بسیار آرام است و شخصیت سربه‌زیر و ساده‌ای دارد از صدایش می‌توانیم برای خلق یک شخصیت زنده، شاداب و پرتحرک در رادیو استفاده کنیم؟ آیا می‌توان از شخصیت گوینده‌ای که بسیار شاداب، سرزنده و پرهیجان است برای تولید برنامه‌ای سنگین و یادآبی استفاده کرد؟ بنابراین باید هنرآموزانی تربیت کنیم که در هر شرایطی



رفتارشناسی فردی و اجتماعی وجود دارد که باید در جای خودش بررسی شود. چگونه می‌توان در درازمدت برای رسانه‌ای مانند صدا و سیما گویندگانی با شخصیت‌های رادیویی متفاوت تربیت کرد؟

اولین اصل، آن است که روح و روان چنین فردی، آرام و مطمئن باشد و این آرامش در صدای او متجلی شود. آن‌گاه پرورش و رشد این خصلت و تعالی آن در درازمدت از صدای او شخصیتی به وجود می‌آورد که می‌توان در هر شرایطی به نحو بهینه از آن استفاده کرد. گوینده‌ای که مشکلات عدیده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد و روح و روان او پریشان است، هرگز نمی‌تواند با همه این تمهیدات

یک شخصیت جذاب رادیویی خلق کند و دلیل عمده آن، این است که او فقط می‌خواهد از این راه ارتزاق کند و به حرفه خود به عنوان یک هنر متعالی نگاه نمی‌کند و تنها به عنوان یک شغل به آن خیره است. برای این که دچار این معضل نشویم، باید همیشه هنرآموزان رشته گویندگی را در سطح زندگی یک انسان معمولی از لحاظ رفاهی در نظر داشته باشیم.

تغذیه مناسب، نداشتن دغدغه مسکن، تأمین آینده و آموزش مستمر، جایگاه او را در اجتماع بهینه می‌سازد و او در این شرایط به حرفه خود، تنها به عنوان یک کار نمی‌نگرد.

### یکی از اشکالات مهم که در تربیت گویندگان کشور ما وجود دارد، توجه نکردن به انتخاب‌ها و ترتیب و صرف زمان لازم برای انتخاب شنوندگان است.

شخصیت، تیپ و منش رادیویی خود را با فضای برنامه تطبیق دهند. چنین هنرآموزانی به دلیل حجم صدای خوب، تن زیبا و آهنگ دلنشین به راحتی می‌توانند شخصیت‌های جذاب رادیویی را نشان دهند و این نیاز به تمرینات متعدد، مستمر و پیوسته دارد. در مورد شخصیت گویندگی گویندگان، مباحث متعددی در حوزه

